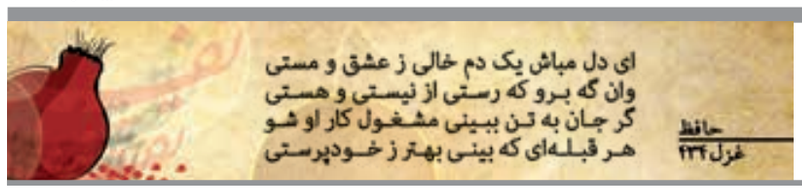

دنیا به روایت تصویر

اقدام نمادین یک فعال محیط زیست، عکس از تلگراف

استفاده جالب مردم چین از چتر در زمان آب گرفتگی شدید خیابان، عکس از یاهو

شکار لحظه برداشتن ماهی مغازه دار توسط یک لک لک در وسط خیابان های هلند، عکس از گاردین

دور دنیا

لاغر شدن با بستنی!

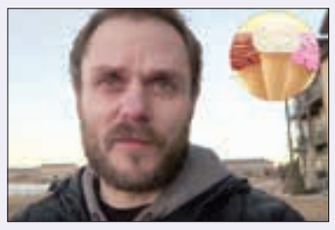

آدیتی سنترال/ «آنتونی هـــاروارد» مـرد ۳۲ ساله آمریکایی که تا کنون انواع و اقسام رژیـم هـای غذایی را امتحان کـرده اسـت، به تازگی اعلام کرد که صد روز است تنها بستنی می خورد ولی با همین رژیم توانسته ۱۴ کیلوگرم وزن کم کند. او که حالا تبدیل به یکی از چهره های مشهور دنیای مجازی شده است، ادعا می کند رژیم غذایی فقط به میزان کالری دریافتی و سوزاندن آن طی تمرینات بستگی دارد و فرقی نمی کند شما فست فود بخورید یا سبزیجات! اگر بتوانید تعادل بین میزان کالری دریافتی و کالری سوزانده شده را برقرار کنید، می توانید وزن کم کنید!

کوهنوردی بدون هیچ گونه تجهیزات!

آدیـتی سـنـتـرال/ «الـکس هوناند» کوهنورد ۳۱ ساله کالیفرنیایی توانسته است رکورد عجیبی را به نام خودش ثبت کند. او ارتـفـاع سنگی ۹۱۴ متری را بدون استفاده از هیچ گونه تجهیزات ایمنی بالا رفت و نام خـودش را در کتاب رکورد های گینس ثبت کرد. تنها وسیله مورد استفاده او در این سنگ نوردی پیشرفته، پودر گچی بود که با خودش همراه داشت که از عرق کردن دست و سر خوردن او جلوگیری می کرد.

حکایت

عاقبت طمع!

سگی بر لب جوی، استخوانی یافت. چندان که در دهان گرفت، عکس آن در آب بدید. پنداشت که دیگری است. به حرص و طمع دهان باز کرد تا آن را نیز از روی آب برگیرد، اما عاقبت آن چه در دهان بود بر باد داد.

برگرفته از کتاب «طنز کمال»

بریده کتاب

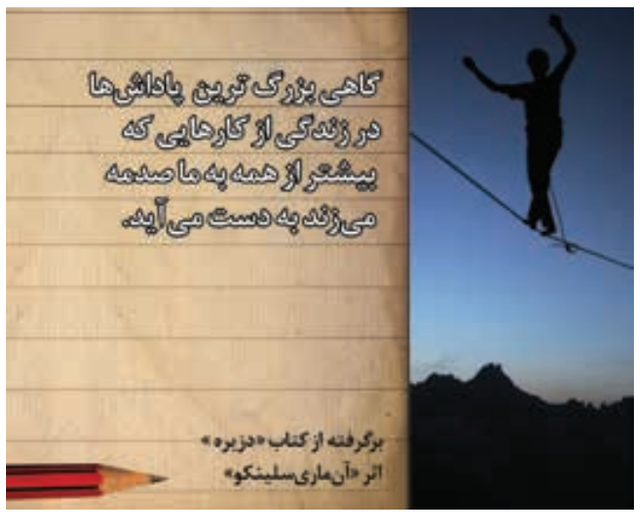

ضد سرقت کردن پیکان با قفل سنتی و توری!

Like Comment

- آر ایشگرها دو واحد «وای کی این کار رو با موهات کرده؟» گذروندن!
- به دانشجوی ایرانی ۶-۷ سال هم فرجه امتحان بدن، می ذاره شب آخر، ساعت های آخر، اونم فقط صفحات آخر!
- رفیقم عکس اسب گذاشته اینستا، کپشن زده عکس از خودم. یک مقدار ابهام داره یا شایدم ذهن من کژتابی داره!
- اگر یک استاد نمی تونه همه درس ها رو تدریس کنه، یک دانشجو چطوری می تونه همه درس ها رو یاد بگیره؟!
- هیچ کس تنهاتر از شبکه چهار و چراغ زرد راهنمایی و رانندگی و زولبیا و اینترنت اکسپلورر نیست!
- اداره ثبت احوال اگه با کلوپی‌ها یک تفاهم‌نامه امضا کنه، صدور ۸۰ درصد شناسنامه‌های المثنی کاهش پیدا می‌کنه!
- گوشی من این جوریه که هر وقت قابش رو در میارم می گه اِه قابمو درآورد، الان خودمو پرت می‌کنم رو زمین!
- اگه رتبه تون در کنکور ارشد خوب نشده ناراحت نباشید، شما دو سال زودتر به این واقعیت می رسید که برای هر مدرک و رتبه تحصیلی کلا کار نیست.
- فکر کنم این سیلی‌هایی که این پشه‌ها باعث می شن به خودم بزنم، جبران همه سیلی‌هاییه که باید تو زندگیم می خوردم و نخوردم!
- خدایا من رو بابت همه ویدئوهایی که دوستام می فرستن و ندیده می گم «خیلی باحال بود مردم از خنده»، ببخش!

Like Comment

کله چغوکی

آق کمال به افطار می رود

ده روز از ماه رمضون گذشته بود ولی خبری از دعوت افطاری نبود. داشتُم کم کم شک مِکردُم نکنه ماه ره اشتباه گیریفتِم. سال های پیش تا دهم ماه رمضون حداقل بیست جا افطاری دعوت رفته بودِم، ولی امسال حتی دریغ از یَگ کاسه آش که بیرَن در خانه. داشتُم ناامید مِرفتُم که عیال خبر داد شوهر عمه اش افطاری دعوتمان کرده. مِگَن خدا مراد شیکمه زود مِده. دمش گرم، کاش دستش خوب مُبود تا آخر ماه همی جور رَوَندی افطار دعوت بِرم. جاتان خالی، تالار مرتبی بود. مو و آقای دکتر، بابای کاملیاخانم یَگ گوشه نشستِم که خوب دید دِشته بِشم. علاوه بر ای که نزدیک آشپزخنه بِشم تا زود از همون جا شروع کَنن به غذا دادن! اینا نکات ریز سورچرونیه که مفت در اختیارتان مِذارُم، قدر بِدنِن! دست شوهر عمه درد نکنه، همه فامیل بودن و به ای هوا دیدارها هم تازه رفت. یَگ خوبی ای که باجناقُم مشهد نیست همیه، هرجا با خُسُرم مُرُم، کسی نیست کنارمان باشه و تو روابط خُسر و دامادی دخالت کنه. خودُم به تنهایی یَگ دل سیر مِتنُم خودمِه لوس کنُم براش! رو میز همه چی آماده بود، معلوم بود شوهر عمه حسابی خجالت داده فامیل ره. کاش بقیه هم یاد بیگیرن. طفلی لابد چقدر هم دلشه صابون زده که بقیه فامیل هم براش جبران مُکنَن! یَگ نکته تستی دیگه سورچرونی هم ایه که وقتی تو مجلسی فقط نون و سبزی و قاشقه ولی چنگال نیست، یعنی یا شلهیه یا آبگوشت. حالا لِمِش اینجیه که اگر ماست یا ترشی بود، یعنی آبگوشته ولی اگر چیز دیگه ای نبود یعنی شلَه یه و دِ برو که رفتِم! البته افطار معمولا ای چیزا نیست و پلوییه. آقا چشم تان روز بد نبینه، اذان ره که گفتن و غذا ره که آوردن، نفهمیدِم چی کار بکنِم. خوبی داشتن پدر زن تپل ایه که موقع غذا خوردن جلوش عذاب وجدان نِدری، چون از خودت بدتره! یعنی جوری از خجالت میز درآمدِم که بعد از مراسم سوییچ ره دادُم به کاملیا خانم و خودُم و آقای دکتر رفتِم عقب نشستِم نفس تازه کنِم. خب یکی نیست بگه تو که هر روز افطار یَگ لقمه نون پنیر مُخوری با یَگ پیله آش یا سوپ، بِری چی ای بلا ره سر معده بدبختت آوردی؟ همی کارا ره مُکنِم که کسی افطار دعوت مان نمکنه، بس که بی جنبه یِم!

آق کمال

از اون لحاظ

آمارهایی مثل هلو که نباید برن تو گلو!

به تازگی وزیر ارتباطات و فناوری گفته: «آمارهایی که در خصوص استفاده ۹۰ درصد مردم از اینترنت بین‌الملل و مراجعه ۶۰ درصد مردم به سایت های غیراخلاقی منتشر شده، اصلا درست نیست و نمایندگان و مردم توجه داشته باشند این آمارها در ارتباط با کشور ایران نیست.» بدون واکاوی صحت و سقم این آمارها که هر روز یک سازمانی، یک جوری آماری در این زمینه می دهد و نحوه دست یابی به آن آمار را نمی گوید، ما هم آمارهایی ساخته ایم که ضمن اطلاع رسانی به شما، تکذیب شان نمی کنیم! باشد که برای تان جالب باشد!

۹۹/۱ درصد خانم های ایرانی تا ۱۳ دقیقه بعد از خارج شدن از خانه، نگران خاموش نکردن گاز هستند و هر یک قدمی که جلو می‌روند، دو خرده ای قدم به عقب برمی گردند تا دوباره بروند و خیال‌شان را از خاموش بودن گاز مطمئن کنند، اما برنمی گردند!

۹۹/۲ درصد آقایان به محض بستن کمربند از وضعیت چاقی شان گلایه می کنند و آهی بلند می کشند!

۹۹/۳ درصد طرفداران تیم ملی فوتبال کشورمان این روزها در حال خرید وووزلا برای برگزاری هرچه بهتر مراسم خوشحالی بعد از صعود تیم ملی به جام جهانی هستند!

۹۹/۴ درصد پسرها از تلگرام برای امر خیر استفاده می کنند!

۹۹/۵ درصد دخترها هم از تلگرام برای یاد گرفتن جدیدترین اصول آشپزی کمک می گیرند.

۹۹/۶ درصد دانش آموزها و دانشجوهای ایرانی، آرزو می کنند که نون خشکی می شدند اما این روزها را نمی دیدند!

۹۹/۷ درصد بچه های زیر پنج سال معتقدند که باید استفاده از گوشی های تلفن همراه برای افراد بالای پنج سال ممنوع شود!

۹۹/۸ درصد خوانندگان تا این جای مطلب پذیرفته اند که از یک جایی به بعد این مطلب، نویسنده به آب بسته تا به پولش برسد!

و در نهایت ۱۰۰ درصد طرفداران تیم ملی والیبال کشورمان با توجه به پیروزی برابر لهستان، موافق ادامه مصدومیت سعید معروف، سیدمحمد موسوی و میرزاجانپور هستند!

مجید حسین‌زاده

قلمرو

«هر کجا چشمه ای بود شیرین / مردم و مرغ و مور گردآیند».

می گویند حرف حساب دو کلمه است اما شاید بتوان گفت دو حرف است. «آب». آب، زندگی را لطیف می کند ولی اگر قدر این مایع لطیف، دلنشین و دلگرم کننده را ندانیم، به زودی سردی دل جای خشکی آب را خواهد گرفت.

در خط شکسته، خوشنویس می تواند دو واژه «هر» و «کجا» را سرهم بنویسد مانند شروع این بیت در صورتی که هر دو قابلیت کشیده شدن را دارند اما بهتر است کشیده شدن را به واژه «چشمه» منتقل کنیم تا با کشیده های بعدی، هماهنگی بهتری ایجاد شود.

خط و توضیحات: اسماعیل فریدونی

ما و شما

* کاش در عکس پرونده تون به جای عکس قوچان نژاد که این روزها اصلا آماده نیست، عکس سردار عزیز و گل مون رو می ذاشتید. سردار آزمون، عاشقتیم داداش. **رضا**
* همشهری سلام عزیز، یک چیزی برای شبکه خبر بنویس. معرکه اند این ها! در زمان حمله تروریستی درباره شهریه مدارس برنامه گذاشته اند!
* «این کیه؟» خیلی سخته این دفعه. شرط می بندم اگر همین الان راهنمایی نکنید، تعداد افرادی که پاسخ صحیح رو می فرستن، کمتر از ۱۰ نفر باشن! **ملیحه**

ما و شما: یک چهره ورزشی است!

* مادر مهربانم، ای فرشته زمینی من، دوستت دارم.

دخترت تینا

مسابقه شماره ۱۶۳

1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

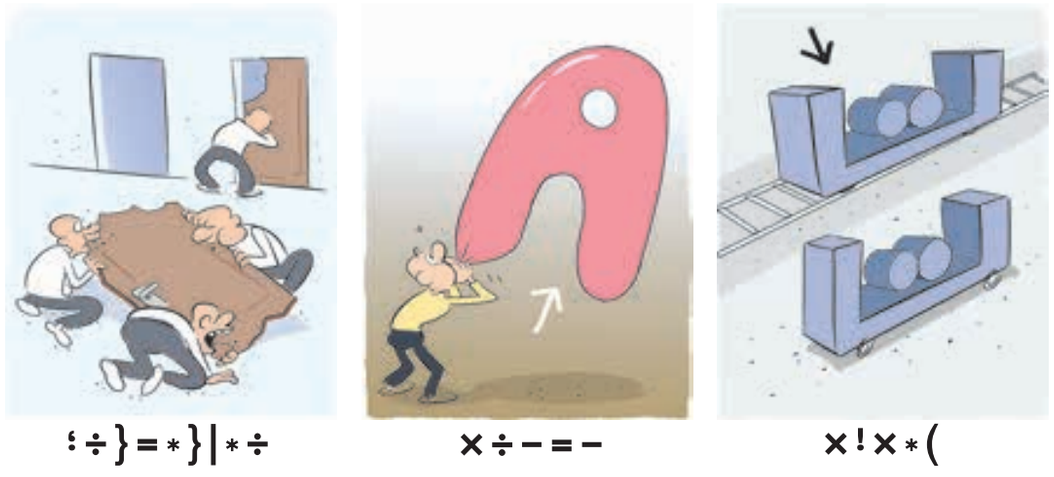

) * × ! ×

− = − ÷ ×

÷ * | } = * { ÷ ؛

«خودمختار» یا «خودمختار»!

سلام. خفن باز عزیزی، یه ایراد اساسی توی مسابقه ۱۶۲ وارد دونستن که با ایرادشون حیثیت حرفه ای ما رو به طور کلی بردن زیر سوال! ببینین:

* ۰۹۳۸۴...۶۴۶: «خفن عزیز دلبندم؛ اونی که تو شنیدی افراد یا سرزمین‌های «خودمختار» (یعنی اختیار سر خود) هستش! نه خود مخدار...!»

در پاسخ به این دوست عزیز خفن بازمون لازمه توضیح بدم که:

اتفاقا ما خیلی حساسیم که در این سرگرمی، از هرزگویی پرهیز کنیم و صرفا در قالب صحیح و مشخصی به «طنز معنی کلمات» بپردازیم. بله درسته! تصویری که شما بهش اشاره کردین، پاسخش «خودمختار» بوده! اما دلیلش این نیست که شخص «مخ دار» بوده. بلکه دلیلش اینه که شخصی که می گفت: «من خودم مُخ هستم» تصویرش تار شده بود. یعنی یک «خودمُخ» که تار شده بود. یعنی خودمختار بود! فعلا!

داستانک طنز

در دسرهای طوطی برای شعبده باز

یک شعبده باز در یک کشتی کروز مشغول به کار بود و هر هفته تماشاچی های نمایش او تغییر می کردند و مسافران جدیدی وارد کشتی می شدند. به همین علت شعبده باز همیشه همان حقه های تکراری را انجام می داد. فقط یک مشکل وجود داشت طوطی کاپیتان کارهای او را هر هفته می دید و کم کم متوجه حقه های او می شد. طوطی وقتی حقه ها را فهمید در وسط نمایش فریاد می زد: «این همون کلاه قبلی هست» یا «گل ها رو زیر میز پنهان کرده»! شعبده باز خشمگین بود اما نمی توانست کاری انجام دهد چون طرف مقابل او طوطی کاپیتان بود! یک روز کشتی دچار حادثه شد و به طور کامل غرق شد. شعبده باز در حالی که طوطی در کنارش بود خود را روی یک تکه چوب در وسط اقیانوس شناور دید. آن ها با نفرت به یکدیگر نگاه کردند و یک کلمه هم حرف نزدند. این ماجرا ادامه پیدا کرد تا این که بعد از یک هفته طوطی گفت: من تسلیم شدم بگو قایق نجات کجاست؟

ترجمه: فرنگیس یاقوتی

سفرنامه

آداب و رسوم روزه دارها در زمان شاه عباس

انگلبرت کمپفر، مستشرق آلمانی در سال ۱۶۸۳ میلادی و در زمان شاه عباس اول از جانب دولت سوئد به عنوان سفیر به ایران آمد. وی حدود دو سال در ایران اقامت داشت. کمپفر در بخشی از سفرنامه خود درباره رسوم ایرانی ها در ماه مبارک رمضان نوشته است: «از اعیاد دینی، عید پایان ماه رمضان است که آن را پایان فصل روزه می گویند و ماه نهم سال در تقویم اسلامی است. در این ماه که رمضان خوانده می‌شود، مردم همه در روز می‌خوابند و هنگام عصر بلند می‌شوند. هر روز غروب در مرکز شهر توپ می‌اندازند تا هنگام افطار را خبر بدهند. مردم به شنیدن صدای توپ از خواب برمی‌خیزند و غذا می‌خورند و سپس به تلاوت قرآن و خواندن نماز می‌پردازند. در نیمه‌شب دوباره غذا می‌خورند و شب را به روز می‌رسانند و با دمیدن سپیده صبح دوباره می‌خوابند. مردم در شب‌های قدر یعنی ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان چون معتقدند این شب‌ها، شب‌های استجابت دعاست در مساجد یا در خانه‌ها به دعا و نیایش می‌پردازند. زندگی آن ها در سراسر این ماه بر این روال است. با سرآمدن فصل روزه‌داری، مردم همه جمع می‌شوند و گویا به مدت سه روز ضیافت دارند.»

برگرفته از کتاب «سفرنامه کمپفر» ترجمه کیکاووس جهانداری

اندکی صبر

سر سفره افطار

عادتش بود، روزه اش را بعد از همه باز می کرد
تنها بود
اذان را که گفتند
تا سر سفره نشست
انگار چیز مهمی یادش آمده باشد
از جا جهید و رفت آشپزخانه
یک نصف استکان آب برداشت
و ظرف آب مرغ عشق های توی قفس را پر کرد
تا عادتش حفظ شود

محمدرضا مهاجر